: https://dx.doi.org/10.22067/jgrd.2021.48649.0
مقالهٔ پژوهشی

مجلّهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای، سال بیستم، شمارهٔ ۲، تابستان ۱٤۰۱، شمارهٔ پیاپی ۳۹

ارزیابی و تحلیل ابزارهای مدیریت یکپارچهٔ شهری در بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز

میثم رضائی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)
m_rezaei3000@yahoo.com
علی زنگی‌آبادی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، نویسنده مسئول)
dr_adelz@yahoo.com
محمدرضا هل فروش (استادیار معماری، دانشگاه تکنولوژی وین، وین، اتریش)
helforoush@tuwien.ac.at

صص ۲۵ ـ ۱

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی و تحلیل ابزارهای مدیریت شهری اثرگذار بر مدیریت یکپارچهٔ بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز و اثرات و نقش هرکدام از این ابزارها ازجمله سازمان و تشکیلات، قوانین و مقررات، زیرساخت‌های اطلاعاتی، منابع انسانی و منابع مالی بر مدیریت شهری این بخش از کلان‌شهر شیراز است. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات مورد نیاز آن از طریق مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای استخراج شده است. ابزار پژوهش نیز پرسشنامه است که از طریق روش گلوله برفی در میان جامعهٔ آماری (۱۲۰ نمونه از متخصصان و کارشناسان سازمان‌های مدیریت شهری) توزیع شده است. تحلیل آماری داده‌ها نیز از طریق نرم‌افزارهای تحلیل آماری از جمله SPSS و Amos Graphic و همچنین Smart PLS و با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس‌محور و کُواریانس محور صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، میانگین متغیرهای پژوهش در وضعیت موجود پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد و نتایج معادله ساختاری نیز نشان می‌دهد که همه ابزارهای مدیریت شهری در

تاریخ دریافت: ۱۳۹٦/۱۱/۲۹ تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۰٤/۲۵

یکپارچگی بافت تاریخی شهر شیراز تأثیر مستقیم دارند. در میان عوامل مطالعه‌شده، نقش عوامل سازمانی و قانونی پررنگ‌تر از سایر ابزارها و عوامل است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود برای تحقق مدیریت یکپارچهٔ شهری در بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز همهٔ ابزارهای مدیریت شهری باید تقویت شوند. از جمله مهم‌ترین اقدامات موردنیاز، برطرف کردن خلأ قوانین موجود و حرکت به سمت هم‌افزایی درون‌نهادی و میان‌نهادی است که تقویت شود و از زیرساخت‌های اطلاعاتی ازجمله WebGIS و SDI برای تسهیل این امر استفاده مفید و مؤثر شود.

کلیدواژه‌ها: مدیریت شهری، ابزارهای مدیریت یکپارچهٔ شهری، شیراز، بافت تاریخی.

۱. مقدمه

طی دهه‌های اخیر، تعداد ساکنان سکونتگاه‌های شهری به‌سرعت افزایش یافته است (جودیتا[1]، ۲۰۱٦، ص. ٥٥٤). افزایش تعداد سکونتگاه‌های شهری و روند روبه‌رشد جمعیت شهری باعث ایجاد مسائل و مشکلات فراوانی شده است. بافت‌های تاریخی شهرها از مهم‌ترین موضوعات چنین بحث‌هایی‌اند؛ زیرا آن‌ها در قلب و مرکز توسعه و تحول شهری قرار دارند (دیسکمپ[2]، ۲۰۱٤، ص. ۷٦)؛ بر همین اساس، امروزه در سراسر جهان حفاظت از بافت‌های تاریخی شهرها به‌دلیل رشد سریع شهرنشینی و تغییرات ناشی از آن به یک موضوع فوری و پیچیده تبدیل شده است (ارتان و اگرسیوگلو[3]، ۲۰۱٦، ص. ٦۰۲).

در بافت‌های تاریخی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر و متأثر از شهر و شهرنشینی، نظام مدیریت شهری این‌گونه سکونتگاه‌هاست. از یک سو، در نتیجهٔ تحولات و تغییرات کمی و کیفی شهرنشینی، ادامهٔ حیات، کارآمدی و اثربخشی بافت تاریخی شهرها بدون برخورداری از نظام مدیریتی منسجم و هدفمند غیرممکن است و از سوی دیگر، نظام یادشده بنا بر مفهوم دیالکتیکی خود کاملاً متأثر از ویژگی‌های اجتماعی، زمانی و مکانی شهر خود است (کاظمیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۲۳).

1. Wosolowska Judyta
2. Descamp
3. Ertan & Egercioğlu

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و حتی در تعدادی از جوامع درحال‌توسعه، امور محلی و مدیریت شهری یک ردهٔ حکومتی ویژه و نسبتاً مستقل در کل نظام حکومتی محسوب می‌شود (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ٦)؛ بنابراین درجهٔ هماهنگی میان سطوح حکومتی می‌تواند بر مدیریت شهری، نوع برنامه‌ریزی و موفقیت نسبی آن نیز تأثیر بگذارد (نیومن و تورنلی[1]، ۱۳۸٦، ص. ۱۵۹)، اما به نظر می‌رسد در بسیاری از کشورهای جهان سوم در بسیاری از فضاهای شهری، بخش‌های دولتی و خصوصی و سایر سطوح حکومتی به‌جای همکاری در حل مشکلات، به عملکرد جدا از هم گرایش دارند. هر ادارهٔ دولتی یا نظام علمی تنها به بخش کوچکی از پیکره‌بندی شهر نظر دارد (شابیر چیما[2]، ۱۳۸۲، ص. ٤۳).

در حال حاضر در شهرهای ایران همانند بیشتر کشورهای درحال‌توسعه، مدیریت شهری چندگانه‌ای وجود دارد و سازمان‌های خدمات‌رسان شهری به‌دلیل حاکمیت برنامه‌ریزی بخشی، فاقد هماهنگی لازم و کافی با یکدیگر هستند و هرکدام براساس سیاست‌گذاری سازمانی به برنامه‌ریزی درخصوص خدمات شهری، مداخله در بافت تاریخی و... اقدام می‌کنند و مشکلات متعددی را برای شهرداری‌ها و شهروندان به وجود می‌آورند. بافت تاریخی شیراز همانند سایر بافت‌های تاریخی شهرهای کشور در کنار ارزش تاریخی، معماری، فرهنگی، اقتصادی و هویتی با چالش‌های فراوانی ازجمله فرسودگی کالبدی، امنیتی، اقتصادی، بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی مواجه است. این محدوده با بیش از ۵۰ هزار نفر جمعیت و وسعت بیش از ۳۸۷ هکتار از مساحت شهر، ۲۱ درصد از مساحت بافت فرسودهٔ شهر شیراز را به خود اختصاص داده است (وارثی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۰)؛ بنابراین با توجه به اهمیت تاریخی و هویتی این محدوده می‌توان گفت توسعه و بهبود آن می‌تواند تأثیر بسزایی بر معرفی کلانشهر شیراز و ارتقای آن در منطقه و حتی سطح بین‌المللی داشته باشد، اما متأسفانه به‌رغم ظرفیت بسیار به‌دلیل تعدد نهادها و کانون‌های مدیریتی و تصمیم‌گیری و مداخله بی‌ضابطه در بافت تاریخی، شاهد تخریب و تنزل کیفیت بافت تاریخی، خروج جمعیت بومی و ورود مهاجران تازه‌وارد به بافت (تقریباً ٤۰ درصد از آن‌ها اتباع بیگانه

1. Newman & Torrenley
2. Shabbir Chima

هستند) هستیم. نهادهای متعدد دولتی، عمومی و خصوصی در مدیریت بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز تصمیم‌گیری می‌کنند و در بیشتر موارد تصمیم‌گیری‌های آن‌ها به موازی‌کاری، دوباره‌کاری و گاهی به خروجی‌هایی منجر می‌شود که کاملاً در تضاد با منافع شهر و شهروندان است؛ بنابراین می‌توان گفت، اولین گام مؤثر در بهبود وضعیت بافت تاریخی شهر شیراز درگرو برنامه‌ریزی منسجم و هماهنگ است و این امر مهم در صورتی محقق خواهد شد که نهادهای مدیریتی بتوانند به‌صورت هماهنگ عمل کنند؛ بنابراین در این پژوهش تلاش بر آن است ضمن بررسی مدیریت شهری بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز، به بررسی ابزارهای مدیریت شهری اثرگذار بر مدیریت یکپارچهٔ بافت تاریخی شهر شیراز نیز پرداخته شود و اثرات و نقش هرکدام از این ابزارها (سازمان و تشکیلات، قوانین و مقررات و...) تحلیل شود. درنهایت نیز پیشنهادهایی برای مدیریت بهتر و کاراتر بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز ارائه شود.

۱. ۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

بافت‌های تاریخی شهرها آثار گرانبهایی هستند که فرهنگ، تاریخ، دانش معماری و شهرسازی گذشتهٔ جامعهٔ شهری را نشان می‌دهند و به بیان روشن‌تر، هویت و شخصیت اجتماعی فرهنگی شهر را به نمایش می‌گذارند (قادری و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۹۷). بررسی و تحلیل مدیریت بافت‌های تاریخی زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم بسیاری از این بافت‌ها مسائل و مشکلات متعددی دارند و این معضلات باعث تخلیه و فرسودگی و درنهایت بروز ناهنجاری‌های گوناگون می‌شود. به‌طورکلی، مدیریت بافت‌های تاریخی شهری ایران با چالش‌هایی چون خلأ تقسیم وظایف و نبود هماهنگی در ساختار و ادارهٔ بافت‌های تاریخی، خلأ طرح‌ها و برنامه‌ریزی راهبردی حفظ و احیای بافت، ضعف تشکیلات ساختارهای سازمانی و نیروی انسانی کارآمد، بی‌توجهی و احساس تعلق نداشتن شهروندان به بافت و اجرای برنامه‌های بازسازی شهری، بدون توجه به بافت‌ها و بناها و یادمان‌های باارزش تاریخی مواجه است (طاهرخانی و متوسلی، ۱۳۸۵، ص. ۹٦ و ۹۷).

منطقهٔ ۸ شهرداری شیراز به لحاظ قرار گرفتن در محدودهٔ هستهٔ تاریخی کلان‌شهر شیراز و وجود مراکز فرهنگی و تاریخی متعدد، یکی از کانون‌های مهم ارزشمند بناهای تاریخی و

باارزش شیراز محسوب می‌شود، اما به‌دلیل بروز برخی مشکلات مانند فرسودگی، ضعف مرمّت و انسجام مدیریت دچار چالش‌های مختلف شده است و به‌رغم ظرفیت‌های بسیار فرهنگی، اقتصادی و ارزشمند گردشگری مراکز مذکور، مدیریت شهری در اجرای طرح‌ها و پروژه‌های شهری مربوط به حفظ آثار و احیای این بافت‌ها، با معضلات پیچیده مواجه شده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد، نیاز به تغییر نگرش و رویکرد مدیریت و شیوهٔ مداخله در این بافت‌ها ضروری است. همچنین استفاده از ظرفیت‌های بومی شهر شیراز در قالب نهادهای مدیریتی مختلف (مردمی، عمومی، خصوصی و دولتی) و ایجاد هم‌افزایی مناسب در اقدام هدفمند در سیستم شهری و پایدار کردن محیط‌زیست شهری نیاز به طراحی سیستم مدیریتی جدید (یکپارچه) را ضروری می‌کند؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر به‌دنبال آن است که با بهره‌گیری از روش‌های علمی به بررسی ابزارهای مختلف مؤثر بر مدیریت یکپارچه در این بافت بپردازد و با استفاده از یافته‌های به‌دست‌آمده، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های حفظ و احیای بافت‌های تاریخی شهر شیراز را بیش‌ازپیش تبیین کند؛ بنابراین با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای درمورد مدیریت یکپارچهٔ شهری در بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز انجام نشده است، انجام این پژوهش به‌عنوان اولین گام در این زمینه از ارزش و اهمیت بسیار برخوردار است.

۲. پیشینهٔ تحقیق

مک‌گیل[1] (۱۹۹٤) به ارائهٔ مدل عملی با هدف مدیریت یکپارچه برای مدیران شهرهای جهان سوم پرداخت. چاکاربارتی[2] (۲۰۰۱) بررسی کرده است که مدیریت یکپارچهٔ شهری مبتنی بر رویکرد نظری و نظام‌مندی است و اصول مدیریت سنتی مانند اصول بهره‌وری، پاسخ‌دهی اجتماعی و انعطاف را نیز برای مدیریت شهری در جهت مقابله با محدودیت‌ها، قابل‌کاربرد می‌داند. ریدن لارس[3] (۲۰۰۸) به بررسی تمایزات رویکردهای مختلف مدیریت شهری در نظام آمریکایی و اروپایی پرداخته است. کلاسون[4] (۲۰۰۹) نشان داده است، نظام

1. McGill
2. Chakrabarty
3. Ryden Lars
4. Claesson

مدیریت یکپارچه در پنج گام محقق می‌شود: ۱- تعیین وضعیت کنونی، ۲- تعیین جایگاه مطلوب، ۳- ایجاد کمیته سیاسی، ٤- اجرا و نظارت و ۵- گزارش و ارزیابی. شودلر هانس[1] (۲۰۱۱) به این نتیجه دست یافت که نمی‌توان رابطهٔ یکسانی میان مشکلات و ابزار حل آن یافت و یک نسخهٔ عمومی نوشت و در پروژه‌های یکپارچه ابزارهایی ضروری است که همه حوزه‌ها را دریابند که باید دربرگیرندهٔ الف- مشارکت عمومی، ب- تنظیمات سازمانی و سیاسی و ج- ایجاد ظرفیت باشند. ارتان و اگرسیوگلو[2] (۲۰۱٦) بافت تاریخی شهرهای مالاگای اسپانیا و ازمیر ترکیه را به‌صورت تطبیقی بررسی کردند. نتایج نشان داد، لازمهٔ بازنده‌سازی بافت‌های تاریخی، حفاظت فعال و هدفمند از این گونه بافت‌هاست و رسیدن به این هدف درگرو مشارکت شهروندان و تعاملات محلی است که اقدامات جامع و یکپارچه تضمین‌کنندهٔ آن است. کاظمیان و میرعابدینی (۱۳۹۰) به بررسی آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچهٔ شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری پرداختند. نتایج نشان داد، سه عامل تعدد عناصر و کنشگران، ساختار توزیع قدرت در میان عناصر ذی‌ربط تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و عوامل مرتبط با منابع و ابزار قدرت و حاکمیت، عوامل مؤثر بر نبود یکپارچگی سیاست‌گذاری در مدیریت شهری کلان‌شهر تهران هستند. رفیعیان و حسین‌پور (۱۳۹۱) در کتاب خود به بررسی نظریه‌های مرتبط با مدیریت یکپارچهٔ شهری، مدیریت شهری و مدیریت فضا پرداختند. عزیزی و همکاران (۱۳۹۱) به شناسایی و رتبه‌بندی کنشگران و ابزارهای مدیریت یکپارچهٔ شهری در کلان‌شهر تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن-ها نشان داد، شورای شهر بیشترین نقش را در سیاست‌گذاری امور شهری و شهرداری بیشترین نقش را در مرحله برنامه‌ریزی دارند. همچنین برای تحقق مدیریت یکپارچهٔ شهری، اصلاح قوانین و مقررات از بیشترین درجه اهمیت برخوردار است. امانپور و سجادیان (۱۳۹۵) با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به آسیب‌شناسی مدیریت کلان‌شهر تهران براساس آرمان مدیریت یکپارچه در کشور پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد، نظام مدیریت شهری کلان‌شهر تهران دارای انواع تفرق‌ها عملکردی، سیاستی و... است که مدیریت یکپارچه مبتنی

1. Schwedler Hanns-Uve
2. Ertan and Egercioğlu

بر حکمروایی شهری می‌تواند به کاهش این تفرق‌ها منجر شود. بابایی و ابراهیمی (۱۳۹۵) مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه در شهر اصفهان را مطالعه کردند. در این پژوهش از روش توصیفی-استنباطی استفاده شد. نتایج نشان داد، مهم‌ترین عامل دستیابی به مدیریت یکپارچهٔ شهری در شهر اصفهان، تحقق حکمروایی خوب شهری است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق کاربردی است که براساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل‌شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسئلهٔ بررسی‌شده و ورود به آن، مطالعهٔ میدانی محسوب می‌شود. تکنیک استفاده‌شده در این پژوهش پیمایش است.

۳. ۱. ابزار جمع‌آوری داده‌ها

داده‌های آماری پژوهش از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) استخراج شده است. بدین‌منظور با مراجعه مستقیم به مراکز آماری و آمارنامه‌ها، کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های موجود در کتابخانه‌های دانشگاه‌های مختلف اطلاعات جامعی برای تحقیق تهیه شده و سپس از طریق پرسشنامه و مطالعات میدانی، پژوهش مزبور تکمیل شده است. شاخص‌های استفاده‌شده در پرسشنامهٔ پژوهش همراه با متغیرهای مستقل، شماره و عنوان مرتبط در پرسشنامه، در جدول ۱ ذکر شده‌اند.

در این پژوهش از دو گروه برای تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. گروه اول، مدیران شهری (شهرداری، شورای شهر، استانداری و راه و شهرسازی) بود که به‌طور مستقیم با این موضوع مواجه بودند. گروه دوم، متخصصان مدیریت شهری شامل اساتید دانشگاه و دانشجویان تحصیلات تکمیلی بود. پس از بررسی اعتبار پرسشنامه توسط پنج نفر از اساتید متخصص در حوزهٔ مدیریت شهری و تأیید و اعمال نظرات کارشناسی آن‌ها و تأیید محتوای آن، با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ پایایی هرکدام از متغیرها سنجش شد. در ادامه با توجه به جامعه آماری پژوهش و محدود بودن تعداد افرادی که علاو بر فعالیت در سازمانی مرتبط با مدیریت شهری، از دانش و تخصص کافی در زمینهٔ سیاست‌گذاری شهری و آسیب‌های آن برخوردار باشند، از روش گلول برفی برای یافتن این افراد استفاده شد؛ به این ترتیب که در

مرحلهٔ اول افرادی که واجد این شرایط بودند، شناسایی شدند و به آن‌ها مراجعه شد. در مرحلهٔ بعد از آنان خواسته شد تا افراد دیگر با چنین شرایط را معرفی کنند. این فعالیت تا جایی ادامه پیدا کرد تا این اطمینان به‌طور نسبی حاصل شد که بیشتر افراد با چنین اطلاعاتی نظرات خود را از طریق پرسشنامه منعکس کرده‌اند؛ بنابراین ۱۲۰ پرسشنامه به روش پیش‌گفته توزیع شد که از این تعداد، ۷٤ پرسشنامه برگشت داده شد.

جدول ۱. شاخص‌ها، شماره و عنوان متغیر

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٦

عنوان شاخص	شمارهٔ متغیر	عنوان متغیر
عوامل سازمانی	V4_2	انسجام در برنامه‌ریزی و فعالیت میان سازمان‌های محلی و دولت مرکزی
	V4_3	تقسیم اختیارات و وظایف مدیریت شهری به‌صورت منسجم و هماهنگ
	V4_6	انطباق قلمروهای عملکردی و سازمانی (وظایف تعریف‌شده)
	V4_7	مرجع واحد با مسئولیت روشن در رابطه با امور شهر
	V4_8	هماهنگی در برنامه‌ریزی و فعالیت‌ها و انسجام میان بخش‌های مختلف یک شهرداری
	V4_9	رهاسازی دولت از فعالیت‌های غیرضروری
	V4_10	کارایی زیاد و ساختار تشکیلاتی انعطاف‌پذیر شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌های محلی
	V4_11	حضور و مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم مردم در ادارهٔ امور شهری
	V4_12	انسجام و هماهنگی میان سازمان ارائه‌دهندهٔ خدمات و سازمان‌های توسعه‌دهندهٔ آن
	V4_15	انگیزه و ابتکار لازم در ایجاد تحولات اساسی در مدیریت بافت تاریخی
عوامل قانونی	V5_1	مقدم بودن قوانین شهری بر مدیریت شهری
	V5_2	توان عمومی مدیریت شهری و عدم تفوق دیدگاه کالبدی بر توسعهٔ شهری
	V5_3	تسلط کامل نداشتن امور سیاسی بر همهٔ امور و مسائل شهری
	V5_4	تفسیر نشدن قانون بنا بر منافع سیاسی، سازمانی و فردی
	V5_5	تعمیم و تعمیق کامل قوانین شهری به لحاظ موضوعی، فضایی و...
	V5_6	شخصیت سازمانی مستقل شهرداری
	V5_8	انطباق قوانین با نیازهای جدید شهری
	V5_9	خلأ قوانین در مدیریت بافت‌های تاریخی
	V5_10	پوشش فراگیر و متناسب با حیطه‌های فضایی و موضوع‌های مختلف شهری

عنوان شاخص	شمارهٔ متغیر	عنوان متغیر
	V5_12	ارتباط و تحول قوانین شهری متناسب با روش‌های جدید مدیریت شهری
	V5_13	تطابق قوانین و مقررات ملی تدوین‌شده با شرایط محلی بافت تاریخی
	V5_14	تدوین قوانین اختصاصی محلی مختص به بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز
	V5_15	هم‌خوانی داشتن قوانین تهیه‌شده
	V5_16	شفافیت و گویایی لازم قوانین تهیه‌شده
زیرساخت‌های اطلاعاتی	V7_1	مشابهت سخت‌افزارهای استفاده‌شده در سازمان‌های مختلف مدیریت بافت تاریخی
	V7_2	مشابهت نرم‌افزارهای استفاده‌شده در سازمان‌های مختلف مدیریت بافت تاریخی
	V7_3	مشابهت فرمت داده‌های استفاده‌شده در سازمان‌های مختلف مدیریت بافت تاریخی
	V7_4	مشابهت در مدل داده‌های استفاده‌شده در سازمان‌های مختلف مدیریت بافت تاریخی
	V7_5	مشابهت در کدگذاری داده‌های اطلاعاتی سازمان‌های مختلف مدیریت بافت تاریخی
	V7_6	مشابهت در توپولوژی داده‌های سازمان‌های مختلف مدیریت بافت تاریخی
	V7_7	مشابهت در تعاریف و مفاهیم مربوط به زیرساخت‌های اطلاعاتی
	V7_8	مشابهت در ساختار و سیستم مختصات استفاده‌شده در سازمان‌های مدیریت شهری
	V7_10	آموزش نیروی انسانی در بهره‌گیری از قابلیت‌های SDI و اشتراک‌گذاری و تبادل اطلاعات سازمانی برای جلوگیری از دوباره‌کاری
	V7_11	دسترسی کاربران به اطلاعات شهری از طریق اشتراک‌گذاری این اطلاعات
	V7_12	به‌کارگیری سامانه‌های اطلاعاتی ازجمله Web GIS و (DBMS)
	V7_13	اشتراک‌گذاری اطلاعات مکانی برای هماهنگی سازمان‌های مختلف مدیریت شهری
	V7_14	وجود زیر ساختار اطلاعات مکانی مؤثر بر مشارکت بخش‌های متولی مدیریت شهری
	V7_15	قابلیت بهنگام‌سازی اطلاعات مکانی شهری
	V7_16	جایگاه فناوری اطلاعات در مدیریت پروژه‌های شهری
منابع انسانی	V6_1	دل‌بستگی و علاقهٔ کارکنان سازمان‌های مدیریت شهری به محیط کار خود
	V6_2	تعهد و وجدان کاری کارکنان برای انجام وظایف
	V6_3	تجربه و تخصص لازم و کافی کارکنان سازمان‌های مدیریت شهری در واحدهای تابعه
	V6_4	دانش فنی و تخصصی نیروی انسانی سازمان‌ها در مواجهه با بافت تاریخی
	V6_5	مشارکت کارکنان سازمان‌های مدیریت شهری برای احیای بافت تاریخی
	V6_6	تقسیم وظایف بر اساس تخصص و تجربهٔ افراد
	V6_7	آموزش و آشنایی کارکنان با دانش‌های اطلاعاتی روز ازجمله SDI
	V6_8	پاسخ‌گویی کارکنان به مردم و سایر ذی‌نفعان در مقابل وظایف محوله

عنوان شاخص	شمارهٔ متغیر	عنوان متغیر
منابع مالی	V6_9	سرمایه‌گذاری بخش دولتی در حمایت از حفظ و احیای بخش تاریخی شیراز
	V6_11	حضور فعالان اقتصادی و بخش خصوصی در جلسات مدیریت بافت‌های تاریخی
	V6_12	وجود انجمن‌های صنفی برای رونق اقتصادی بافت‌های تاریخی
	V6_13	شفافیت اطلاعاتی درمورد بودجه، هزینه سازمان‌ها و نحوهٔ عملکرد مالی آن‌ها
	V6_14	پاسخ‌گویی سازمان‌های مدیریت بافت تاریخی در مورد عملکرد مالی سازمان
	V6_15	ارائهٔ بسته‌های تشویقی به بخش خصوصی برای بازآفرینی بافت‌های تاریخی

برای تحلیل آماری داده‌ها از نسخه ۲۳ نرم‌افزارهای SPSS و Amos Graphic و همچنین نسخه Smart PLS 3.2.6 استفاده شد و با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس‌محور و کُواریانس‌محور، فرضیه‌های پژوهش بررسی شدند.

٤. مبانی نظری تحقیق

٤. ١. مدیریت یکپارچهٔ شهری

مدیریت یکپارچهٔ شهری حاصل ورود رویکرد سیستمی در مباحث مدیریت شهری می‌باشد. به‌طورکلی، مدیریت یکپارچهٔ شهری «مدیریت افقی» است، نه مدیریت «عمودی»؛ یعنی تمام سازمان‌های درگیر در مدیریت شهری به‌صورت افقی و هماهنگ در کنار یکدیگر قرار دارند. مدیریت یکپارچه درصدد است تا در قالب الگویی مشخص به هماهنگی عناصر دخیل در مدیریت شهری بپردازد و از دوباره‌کاری‌ها و نظام بروکراسی حاکم جلوگیری کند و فرایند توسعهٔ شهری را سرعت ببخشد (شکری‌پور دیزج، ۱۳۹۰، ص. ۲۸).

مدیریت یکپارچهٔ شهری تنها یک هدف نیست؛ بلکه ابزار مناسبی برای مدیریت سیستم شهر و تحقق یک شهر خوب است. تحقق مدیریت یکپارچهٔ شهری به توسعهٔ متعادل تمام اجزا و ابزارهای مدیریتی یک شهر بستگی دارد (پورکریم و همکاران، ۲۰۱٦، ص. ۳۹۳). برای درک مفهوم یکپارچگی باید با مفهوم تفرق که در مقابل واژهٔ یکپارچگی و انسجام قرار می‌گیرد، آشنا شد. مهم‌ترین تفرق‌های مشاهده‌شدنی و مرتبط با مدیریت شهری عبارت‌اند از: تفرق برنامه‌ریزی–سیاستی، تفرق عملکردی، تفرق قلمرویی، تفرق حکومتی–سیاستی، تفرق

ناشی از تعدد ذی‌نفعان و تفرق مرتبط با بسترها و زمینه‌های مدیریت شهری (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸، صص. ۱۱٤–۱۱۵). هرکدام از این تفرق‌ها معانی عمیقی دارند که بدون درک صحیح این معانی نمی‌توان راهکارهای مقابله با آن را شناسایی کرد. در این پژوهش بیشترین تأکید بر تفرق عملکردی و شناسایی ابزارهای مدیریتی برای مقابله با آن است.

تفرق عملکردی زمانی به وقوع می‌پیوندد که در یک شهر با قلمرو حکومتی خاص (مانند محدودهٔ شهر یا شهرداری)، برنامه‌ریزی و ارائهٔ خدمات شهری درمورد کارکردها و وظایفی که ماهیت محلی دارند، بین چند نهاد، سازمان و هیئت تقسیم شده است (کاظمیان و میرعابدینی، ۱۳۹۰، ص. ۳۰). مدیریت شهری یکپارچه رویکرد مقابله با تفرق عملکردی است. یکپارچه‌سازی «هر چیزی» در واژه‌شناسی سیاست‌گذاری همیشه یک رؤیای مقدس برای تمامی برنامه‌ریزان بوده است (فریدمن[1]، ۲۰۰٤، ص. ۵۳).

مک‌گیل، سه بعد کلیدی را به‌عنوان اجزای سازندهٔ تعریف مفهوم و رویکرد مدیریت شهری می‌داند. این سه بعد که به درک ما از مدیریت شهری به‌عنوان رویکردی کل‌نگر منجر می‌شود، در قالب سه حوزهٔ مداخله و تغییر تعریف می‌شود که باید در هر سه به نوعی یکپارچه‌سازی پرداخت تا مدیریت شهری کل‌نگر تحقق یابد. این سه حوزه عبارت‌اند از: یکپارچه‌سازی برنامه‌ریزی‌شهری، یکپارچه‌سازی تأمین زیرساخت‌ها و یکپارچه‌سازی نهادی و سازمانی (برک‌پور و اسدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۲). ابزارهای مدیریت شهری برای تحقق یکپارچه‌سازی نهادی و سازمانی در بافت تاریخی شیراز شامل سازمان و تشکیلات، عوامل قانونی، زیرساخت‌های اطلاعاتی، منابع انسانی و منابع مالی می‌شود که در قالب مدل مفهومی این پژوهش در شکل ۱ آورده شده است.

٤. ۱. ۱. عوامل سازمانی

نهاد در یک تعریف، سازمان و انستیتو است و در تعریف دیگر، قواعد ذهنی حاکم بر رفتار کنشگران است؛ پس نهاد ممکن است فرد باشد یا سازمان که اگر تداوم و عمومیت یابند، تبدیل به ساختار می‌شوند (ساختار روابط محکم بین اجزاست که به‌راحتی تغییریافتنی

1. Friedman

نیست) و این ساختارها متناسب با نیازها، اهداف و ویژگی‌هایشان سازمان را تشکیل می‌دهند؛ یعنی سازمان متناسب با ساختار و ساختار متناسب با نهاد است. روابط عملکردی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی می‌تواند متضمن تفرق یا یکپارچگی مدیریت شهری باشد (کاظمیان، ۱۳۸۹، ص. ۲۹).



شکل ۱. مدل نظری و تحلیلی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٦

٤. ۱. ۲. قوانین و مقررات

مجموعه قوانین و ابزارهای قانونی که در نظام مدیریت شهری به کار گرفته شده است و مشروعیت مدیریت شهری در بافت تاریخی را به‌عنوان مهم‌ترین سطح تعریف شدهٔ سازمانی، مدیریتی و حاکمیتی به رسمیت بشناسد (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۸).

٤. ۱. ۳. زیرساخت‌های اطلاعاتی

منظور از زیرساخت‌های اطلاعاتی، وجود پایگاه مدیریت اطلاعات دادهٔ شهری در سازمان-های مدیریت شهری و ظرفیت آن سازمان‌ها برای استفاده از این ابزار قدرتمند در راستای

مدیریت بهینهٔ امور، ارتباط سازمان‌یافته‌تر با سایر نهادهای مدیریت شهری و بهره‌گیری از آن برای انجام تصمیمات صحیح و به‌موقع است (کارمن[1] و همکاران، ۲۰۱٦، ص. ۱٦۲۷).

٤. ۱. ٤. منابع مالی و منابع انسانی

ابزارهای مدیریت شهری ازجمله منابع انسانی و منابع مالی تأثیر مستقیمی بر مدیریت شهرها و به‌ویژه بافت تاریخی دارند و پایداری این دو از درجه اهمیت بسیار زیاد برخوردار است (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸).

۵. یافته‌های تحقیق

۵. ۱. تحلیل ابزارهای مدیریت یکپارچه در بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز

این بخش از پژوهش به تجزیه و تحلیل داده‌ها اختصاص دارد. تحلیل داده‌ها در دو بخش مجزا و مرتبط به هم انجام شده است: در بخش اول که به آمار توصیفی داده‌های پژوهش مربوط است، ابتدا متغیرهای اصلی پژوهش (عوامل سازمانی، عوامل قانونی، زیرساخت‌های اطلاعاتی، منابع انسانی و منابع مالی، یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی) با استفاده از مهم‌ترین شاخص‌های آمار توصیفی (گرایش مرکزی، پراکندگی و شکل توزیع) در جدول ۲ و شکل بافت نگار ۲ همراه با منحنی توزیع نرمال توصیف شده‌اند.

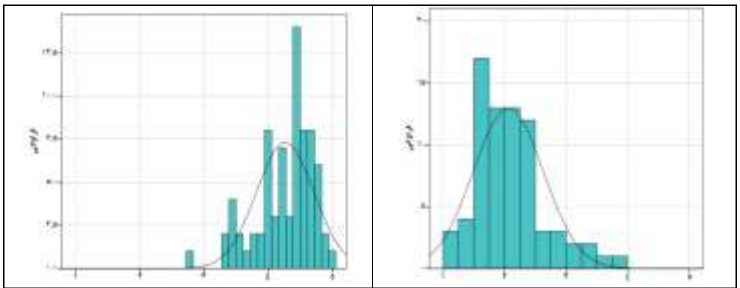
جدول ۲. توصیف متغیر ابزارهای عملکردی در نمونهٔ آماری پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٦

متغیر	شاخص				
	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کجی	کشیدگی
عوامل سازمانی-موجود	۲/۱۵	۰/۵٤	۰/۲۹	۰/۵۰	۰/۱۲
عوامل سازمانی-مطلوب	٤/۲۲	۰/۵٤	۰/۲۹	-۱/۲۱	۱/۱۸
عوامل قانونی-موجود	۲/۱۷	۰/۵۲	۰/۲۷	۰/٦۹	۰/٤۳
عوامل قانونی-مطلوب	٤/۲۵	۰/٤٤	۰/۲۰	-۱/۱۸	۲/۱٦
زیرساخت‌های اطلاعاتی-موجود	۲/۲٤	۰/٦۲	۰/۳۸	۰/۵۵	۱/۳۵

1. Carmen

متغیر	شاخص				
	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کجی	کشیدگی
زیرساخت‌های اطلاعاتی-مطلوب	٤/٣٥	٠/٤٧	٠/٢٢	-٠/٩٤	٠/٨٩
منابع انسانی-موجود	٢/٣٤	٠/٥٩	٠/٣٥	-٠/٣٤	-٠/٣٤
منابع انسانی-مطلوب	٤/٣٩	٠/٥٠	٠/٢٥	-٠/٩٢	٠/٤٢
منابع مالی-وضعیت موجود	٢/٢٥	٠/٥٨	٠/٣٣	٠/٣٧	٠/٢٢
منابع مالی-وضعیت مطلوب	٤/٢٥	٠/٤٥	٠/٢٠	-٠/٤٢	٠/٢٧
یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی-موجود	٢/٠٦	٠/٥٧	٠/٣٢	٠/٨٧	٠/٦٣
یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی-مطلوب	٤/٢٦	٠/٤٥	٠/٢٠	-٠/٩٤	٠/٦٥



وضعیت موجود	وضعیت مطلوب

شکل ۲. بافت‌نگار شکل توزیع متغیر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی در نمونه آماری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۶

برحسب مقادیر جدول ۲، میانگین متغیرهای پـژوهش در بـین نمونـهٔ آمـاری پـژوهش در وضعیت موجود کمتر از حد متوسط ۳ و در وضعیت مطلـوب بیشـتر از حـد ۳ بـرآورد شـده است؛ به‌عنوان‌مثال، در متغیر یکپـارچگی مـدیریت بافـت تـاریخی، شـاخص‌هـای پراکنـدگی (انحراف معیار و واریانس) بیانگر میزان پراکندگی کم داده‌های این متغیر از شـاخص میـانگین در وضعیت موجود و مطلوب است. همچنین مقادیر مربوط به شـاخص کجـی بیـانگر تمایـل نمره‌های متغیر در وضعیت موجود به سمت مقادیر کمتر از میانگین و در وضعیت مطلوب بـه سمت مقادیر بیشتر از میانگین است. مقدار مثبت شـاخص کشـیدگی در وضـعیت موجـود و مطلوب بیانگر پراکندگی کم داده‌ها در سطح منحنی و به‌عبارتی شکل توزیع نسبتاً برآمده داده-

ها در نمونهٔ آماری است. همچنین مقادیر مربوط به شاخص‌های شکل توزیع (کجی و کشیدگی) نشان‌دهنده تمایل شکل توزیع داده‌ها به سمت توزیع نرمال در نمونه آماری پژوهش است. از طرف دیگر، براساس نظر پاسخگویان می‌توان گفت، ابزارهای مدیریت شهری در وضع کنونی کمتر از حد متوسط ارزیابی شده‌اند و برعکس پاسخگویان اعتقاد دارند برای تحقق مدیریت یکپارچهٔ شهری در بافت تاریخی شهر شیراز این ابزارها باید بیشتر از حد متوسط قرار داشته باشند؛ این امر بیانگر فاصله زیاد بین وضع موجود و وضع مطلوب در تحقق مدیریت یکپارچهٔ شهری از دید پاسخ‌گویان است.

در قسمت دوم که به آمار استنباطی اختصاص دارد و به عبارت دیگر محور اصلی این بخش محسوب می‌شود، با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس‌محور و کُواریانس‌محور، متغیرهای اصلی پژوهش بررسی شده‌اند.

۵. ۱. ۱. بررسی اثرگذاری عوامل عملکردی بر مدیریت یکپارچهٔ بافت تاریخی

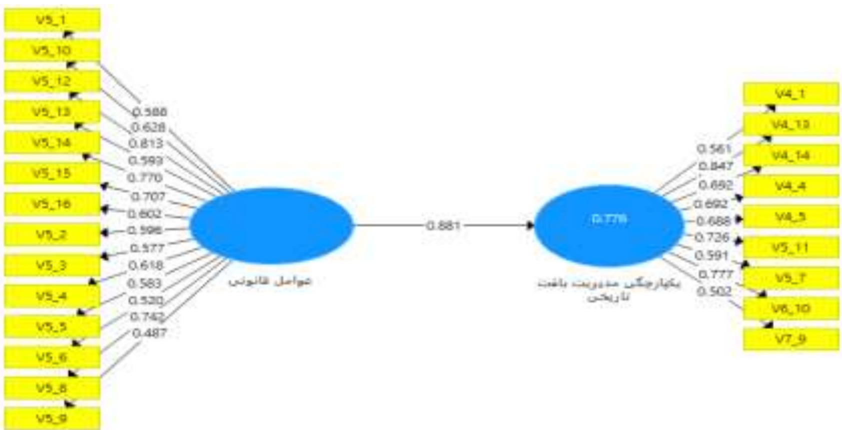
برای بررسی اثرگذاری عوامل عملکردی بر مدیریت یکپارچهٔ بافت تاریخی از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس‌محور استفاده شد. متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش به‌صورت متغیرهای مکنون و در قالب مدل‌های عاملی مرتبه اول وارد مدل معادله ساختاری شدند. برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل و پارامترهای اصلی این مدل برای همه متغیرهای پژوهش در جداول ۵ و ٦ گزارش شده است. به‌دلیل زیادبودن حجم معادلات مربوط به همهٔ متغیرها، در این قسمت به‌عنوان‌مثال تنها به ارائه متغیرهای عوامل قانونی پرداخته شده که در جدول ۳ ارائه شده است. مدل معادلهٔ ساختاری اثر عوامل قانونی بر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی در جدول ٤ و شکل ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. متغیرهای عوامل قانونی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٣٩٦

شماره	عوامل قانونی	وزن	شماره	عوامل قانونی	وزن
١	مقدم بودن قوانین شهری بر مدیریت	٠/٥٨	٨	خلأ قوانین در مدیریت بافت‌های	٠/٤٨

شماره	عوامل قانونی	ضریب	شماره	عوامل قانونی	ضریب
	شهری			تاریخی	
۲	توان عمومی مدیریت شهری و برتری نداشتن دیدگاه کالبدی بر توسعهٔ شهری	۰/۵۹	۹	پوشش فراگیر و متناسب حیطه‌های فضایی و موضوع‌های مختلف شهری	۰/٦۲
۳	سایه انداختن امور سیاسی بر همهٔ امور شهری	۰/۵۷	۱۰	ارتباط و تحول قوانین شهری متناسب با روش‌های جدید مدیریت شهری.	۰/۸۱
٤	تفسیر نشدن قانون بنا بر منافع سیاسی، سازمانی و فردی	۰/٦۱	۱۱	تطابق قوانین و مقررات ملی تدوین شده با شرایط محلی بافت تاریخی	۰/۵۹
۵	تعمیم و تعمیق کامل قوانین شهری به لحاظ موضوعی، فضایی و...	۰/۵۸	۱۲	تدوین قوانین اختصاصی محلی مختص بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز	۰/۷۷
٦	شخصیت سازمانی مستقل شهرداری	۰/۵۲	۱۳	همخوانی داشتن قوانین تهیه‌شده	۰/۷۰
۷	انطباق قوانین با نیازهای جدید شهری	۰/۷٤	۱٤	شفافیت و گویایی لازم قوانین تهیه‌شده	۰/٦۰



شکل ۳. مدل معادله ساختاری اثر عوامل قانونی بر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٦

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری، درمجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند؛ به عبارت دیگر، برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها برازش دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

برحسب مقادیر برآوردشده در جدول ٤، الف. متغیر عوامل قانونی ۷۸ درصد از واریانس متغیر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی را تبیین می‌کند. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار بزرگ برآورد می‌شود؛ به عبارت دیگر، متغیر عوامل قانونی در حد زیاد، توان تبیین واریانس متغیر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی را دارد؛ ب. اثر متغیر عوامل قانونی بر متغیر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی به لحاظ آماری معنادار است (p≤۰/۰۵). با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت، اثر متغیر عوامل قانونی بر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی مستقیم و در حد زیاد برآورد شده است؛ به عبارت دیگر، تقویت عوامل قانونی به افزایش یا تقویت یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی و برعکس تضعیف عوامل قانونی به تضعیف یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی منجر می‌شود.

جدول ٤. برآورد اثر عوامل قانونی بر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٣٩٦

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	CR	P
عوامل قانونی	<---	یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی	۰/۷۸	۰/۸۸	۳٤/۲۷	۰/۰۰۱

این محاسبات برای سایر متغیرهای مفروض است و در ادامه به‌طورکلی همهٔ آن‌ها در قالب مدل کلی معادله ساختاری متغیرهای پژوهش، در شکل ٤ بررسی شده‌اند.

جدول ۵. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری متغیرهای پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٣٩٦

معیار	شاخص	GOF[1]	SRMR[2]	NFI[3]
عوامل سازمانی	مقدار	۰/٤۲	۰/۰۷	۰/۹۳

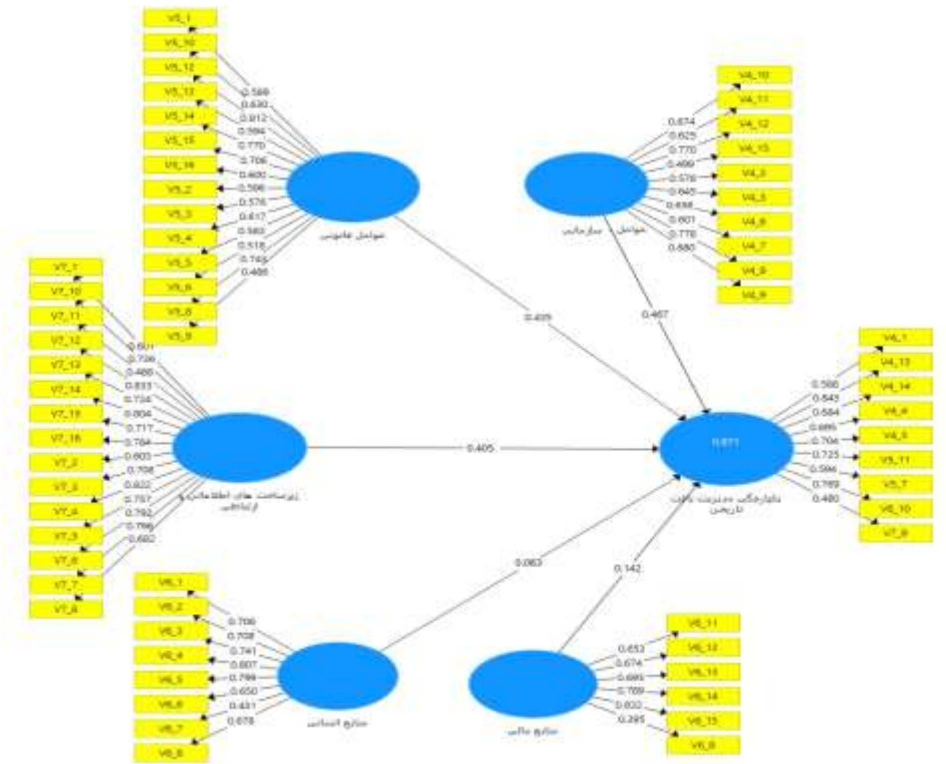
---

۱. درباره شاخص GOF مقادیر کمتر از ۰/۱۰ نشان‌دهنده برازش ضعیف، ۰/۲۵ نشان‌دهنده برازش متوسط و بیشتر از نشان‌دهنده ۰/۳٦ برازش مطلوب است.

۲. مقدار این شاخص در حالت مطلوب باید از مقدار ۰/۱۰ کمتر باشد.

۳. مقدار مطلوب برای این شاخص مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ است.

معیار	شاخص	GOF[۱]	SRMR[۲]	NFI[۳]
عوامل قانونی	مقدار	۰/٤٥	۰/۰٦	۰/۹٤
زیرساخت‌های اطلاعاتی	مقدار	۰/۳۸	۰/۰۷	۰/۹۲
منابع مالی	مقدار	۰/۳٦	۰/۹۳	۰/۰۷
منابع انسانی	مقدار	۰/۳۸	۰/۰۸	۰/۹۲



شکل ٤. مدل معادله ساختاری اثر عوامل عملکردی (عوامل سازمانی، عوامل قانونی، زیرساخت‌های اطلاعاتی، منابع انسانی و منابع مالی) بر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹٦

برحسب مقادیر برآوردشده در جدول ٦، الف. متغیرهای مستقل پژوهش درمجموع ۸۷ درصد از واریانس متغیر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی را تبیین می‌کنند. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار بزرگ برآورد می‌شود؛ به عبارت دیگر، متغیرهای مستقل پژوهش در حد زیاد، توان تبیین واریانس متغیر یکپارچگی مدیریت بافت

تاریخی را دارند؛ ب. اثر متغیرهای عوامل سازمانی، عوامل قانونی، زیرساخت‌های اطلاعـاتی و منابع مالی بر متغیر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی به لحاظ آماری معنادار است ($p≤۰/۰۵$). با توجه به مقادیر مربوط به ضرایب تأثیر می‌توان گفت، اثر متغیرهای عوامل سازمانی، قـانونی و زیرساخت‌های اطلاعاتی مستقیم و در حد زیاد و اثر متغیر منابع مالی و منابع انسانی مستقیم و در حد ضعیف برآورد شده است؛ به عبارت دیگر مـی‌تـوان گفـت، تقویـت مجموعـهٔ ایـن عوامل و منابع می‌تواند به تقویت یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی و برعکس تضـعیف ایـن عوامل و منابع به تضعیف یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی منجر شود.

جدول ٦. برآورد اثر عوامل عملکردی بر یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ١٣٩٦

متغیر مستقل (عوامل عملکردی)	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	CR	P
عوامل سازمانی	<---	یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی	٠/٨٧	٠/٤٧	٦/٧٠	٠/٠٠١
عوامل قانونی				٠/٤٣	٥/٦٧	٠/٠٠١
زیرساخت‌های اطلاعاتی				٠/٤٠	٥/٢٣	٠/٠٠١
منابع انسانی				٠/١٧	٢/٤٥	٠/٠٣٠
منابع مالی				٠/١٤	١/٩٦	٠/٠٥٠

در میان عوامل سازمانی مؤثر بر یکپارچگی، نبود یک رویکرد جامع و کل‌نگر، نبود انسجام در برنامه‌ریزی و فعالیت میان سازمان‌های محلی و دولت مرکزی، مشارکت نداشتن ساکنان در اداره امور شهر، تقسیم نشـدن اختیـارات و وظـایف مـدیریت شـهری میـان وزارتخانـه‌هـا و شهرداری، انطباق نداشتن قلمروهای عملکردی و سازمانی، نبود یک مرجع واحد با مسـئولیت روشن در ارتباط با بافت تاریخی و حتی نبود همـاهنگی در برنامـه‌ریـزی و فعالیـت‌هـا میـان بخش‌های یک شهرداری کاملاً مشهود است. تحلیل عوامل قانونی اثرگذار بر یکپارچگی بافت تاریخی بیانگر این مسئله است که در مدیریت بافت تاریخی شیراز خلـأ قـانونی وجـود دارد؛ به‌عنوان‌مثال، در این زمینه امور سیاسی بر همهٔ امور شـهری سـایه انداختـه اسـت و مـدیریت شهری بر قوانین شهری مقدم است. همچنین قوانین منسجم و جـامعی در رابطـه بـا نهادهـای

مسئول مدیریت شهری وجود ندارد. نبود قوانینی که از یکپارچگی مدیریت بافت تاریخی حمایت کند، با نظام محلی مدیریت بافت‌های تاریخی هم‌خوانی داشته باشد و بر حیطه‌های فضایی و موضوع‌های مختلف مرتبط با بافت تاریخی پوشش فراگیر و متناسب داشته باشد، ازجمله خلأهای قانونی در این بافت است. تحلیل ابزارهای مالی و منابع انسانی بیانگر این است که این دو ابزار به‌طور مستقیم بر یکپارچگی بافت تاریخی اثرگذارند؛ چراکه تعهد و وجدان کاری نیروی انسانی، تجربه و تخصص لازم و همچنین دانش فنی و تخصصی کارکنان و مشارکت کارکنان سازمان‌های مدیریت شهری در مواجهه با بافت تاریخی می‌تواند بر مدیریت هرچه‌بهتر این‌گونه بافت‌ها مؤثر باشد. از طرف دیگر، با حضور فعالان اقتصادی بخش خصوصی و ایجاد انجمن‌های صنفی برای رونق اقتصادی بافت تاریخی و شفافیت اطلاعاتی درمورد بودجه و هزینه سازمان‌ها در ارتباط با این‌گونه بافت‌ها، می‌توان با ارائهٔ بسته‌-های تشویقی به بخش خصوصی به بازآفرینی بافت‌های تاریخی پرداخت که متأسفانه در این دو مورد یعنی ابزار مالی و نیروی انسانی نیز بافت تاریخی کمتر از حد متوسط قرار دارد. از دیگر ابزارهای مدیریتی که می‌تواند خلأ مشارکت درون‌سازمانی و میان‌سازمانی و همچنین مشارکت بخش خصوصی را تا حدود زیادی تسهیل کند،؛به‌کارگیری زیرساخت‌های اطلاعاتی مانند WebGIS، SDI و... است. در این حوزه نیز بررسی‌ها حاکی از آن است که چه در حوزهٔ فرهنگ‌سازی و آموزش کارکنان و مدیران و چه در حوزهٔ زیرساخت‌های فیزیکی مانند سخت‌افزارها و مشابهت نرم‌افزارهای استفاده‌شده در سازمان‌های مدیریتی بافت تاریخی پایین‌تر از حد متوسط است.

۵. ۲. چگونگی تحقق مدیریت یکپارچه در بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز

ساختار مدیریت بافت تاریخی کلان‌شهر شیراز به تبعیت از ساختار مدیریت شهری کشور ضعف‌ها و نقایص فراوانی دارد. تا زمانی که ساختار مدیریت شهری در بافت تاریخی با رویکرد کنونی به فعالیت خود ادامه دهد، نمی‌توان به تحقق مدیریت یکپارچهٔ شهری امیدوار بود و نمی‌شود از رؤیای برنامه‌ریزان پا را فراتر گذاشت و آن را اجرایی کرد؛ بنابراین باید به‌دنبال چاره‌ای برای حل این مشکل بود. در این راستا می‌توان گفت که اصلاح ساختار

مدیریت بافت تاریخی شهر شیراز درگرو حل سه مسئلهٔ اساسی است: مسئلهٔ اول: باید روابط درون‌سازمانی و برون‌سازمانی سازمان‌های مدیریت شهری اصلاح شود؛ مسئلهٔ دوم: قوانین کنونی حاکم بر نظام سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت شهری باید اصلاح و بازنگری جدی شود؛ مسئلهٔ سوم: فنون و فناوری‌های جدید برای تسهیل ارتباطات و روابط منسجم و سازمان‌یافته‌تر به کار گرفته شود.

این سه مسئله کاملاً به همدیگر مرتبط‌اند و حل هرکدام از آن‌ها درگرو حل دیگری است. برای تحول در ساختار مدیریت شهری چاره‌ای جز تحول در سازمان‌های مدیریت شهری وجود ندارد؛ چراکه تحول سازمان‌ها در بلندمدت می‌تواند متضمن تحول ساختار باشد. برای تحول در سازمان‌های مدیریت بافت تاریخی باید نگرش کنونی به روابط درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تغییر کند؛ به عبارت دیگر باید تشریک مساعی و هم‌افزایی درون‌سازمانی و برون‌سازمانی اتفاق بیفتد و آن نیازمند وجود نهادهای تسهیلگر و به‌کارگیری فناوری‌های جدیدی است که بتواند به بهبود این روابط منجر شود. ازجمله نهادهای کنونی که می‌توانند این نقش مهم را بازی کند، می‌توان از شورای شهر، شورای محلات و نهادهای محلی نام برد. برای اینکه این نهادها بتوانند نقش خود را در این زمینه به نحو نیک انجام دهند و از قدرت کافی و لازم برخوردار باشند، باید قوانینی تدوین شود که آن‌ها را به‌عنوان یک نهاد رسمی قدرتمند در مدیریت بافت تاریخی به رسمیت بشناسد؛ چراکه قوانین کنونی تضمین کنندهٔ این اصل نیست. قوانین جدید باید علاوه‌بر تضمین قدرت سازمان‌های تسهیلگر، بر شرایط بومی و محلی بافت تاریخی شیراز منطبق باشد و در کنار همخوانی آن برای سازمان‌های مختلف بتواند به نیازهای جدید شهری نیز پاسخ دهد. به‌کارگیری فناوری اطلاعات و زیرساخت‌های اطلاعات مکانی نیز می‌تواند در زمینه هماهنگی نهادهای مدیریت شهری و ارتباطات سازمان-یافته و منسجم‌تر نقش پررنگی را بازی کند. با توجه به روند روبه‌رشد این فناوری‌ها و حجم زیاد اطلاعات و داده و...، سازمان‌های مختلف مدیریت شهری در بافت تاریخی خواه‌ناخواه باید از قابلیت آن استفاده کنند. به‌کارگیری این فناوری‌ها نیز نیازمند تدوین قوانینی است که همه سازمان‌های مدیریت شهری را ملزم به استفاده از یک استاندارد واحد کند تا بتوانند به‌راحتی به تبادل اطلاعات در درون و بیرون از سازمان بپردازند و شفافیت و سرعت در

تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی دقیق را میسر کنند؛ بنابراین می‌توان به‌طور خلاصه گفت، تحقق مدیریت یکپارچهٔ شهری در بافت تاریخی شهر شیراز تنها در صورتی اتفاق خواهد افتاد که نهادهای تسهیلگر با استفاده از ظرفیت‌های خود موجب تشریک مساعی و هم‌افزایی درون-نهادی و برون‌نهادی شوند و قوانین جدیدی تدوین شود که این‌گونه نهادها را به رسمیت بشناسد و حمایت کند و از طرف دیگر، همهٔ سازمان‌ها را ملزم به به‌کارگیری زیرساخت‌های اطلاعات مکانی کند.

٦. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به‌دنبال رشد سریع شهرنشینی در ایران، بافت تاریخی شهرها ازجمله شهر شیراز با چالش‌های فراوانی ازجمله مشکلات کالبدی، اجتماعی، انقباض اقتصادی و غیره روبه‌رو شده است. شهرداری و سازمان‌های مدیریت شهری بافت تاریخی برای مواجهه با این چالش‌ها نیازمند تغییر نگرش در سبک مدیریت کنونی هستند. همین موضوع بیانگر اهمیت روی آوردن به الگوهای جدید مدیریت شهری ازجمله به‌کارگیری الگوی مدیریت یکپارچه در بافت تاریخی است. برای رسیدن به این هدف، به ابزارهای اساسی به‌ویژه عوامل سازمانی، عوامل قانونی، زیرساخت‌های اطلاعاتی، منابع مالی و منابع انسانی نیاز است؛ بنابراین در این پژوهش، وضعیت بافت تاریخی شهر شیراز در ارتباط با این ابزارها تحلیل شد. نتایج حاکی از آن است که همه عوامل عملکردی و ابزارهای مدیریت شهری در مدیریت یکپارچهٔ بافت تاریخی شهر شیراز اثرگذارند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مانع تحقق و شکل‌گیری مدیریت یکپارچهٔ شهری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، وضعیت به‌کارگیری ابزارهای مدیریت شهری در بافت تاریخی شهر شیراز کمتر از حد متوسط قرار دارد؛ ازاین‌رو برای به‌کارگیری بهتر این ابزارها، پیشنهادهای زیر که مستخرج از شاخص‌های بررسی‌شده است، ارائه می‌شود:

۱. تمرکززدایی از مدیریت بافت تاریخی و حرکت به سمت مشارکت عمومی به‌ویژه با استفاده از ظرفیت نهادهای محلی؛

۲. تقویت قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی برای کاهش اثرات امور سیاسی بر امور شهری و تقدم قوانین و مقررات بر مدیریت شهری؛

۳. افزایش نظارت به‌منظور ایجاد ارتباط مناسب بین بخش‌های مختلـف بافـت تـاریخی و ایجاد همکاری قوی میان مدیریت شهری و دیگر سازمان‌ها به‌ویژه در امر بازآفرینی و باززنـده سازی بافت تاریخی؛

٤. به‌کارگیری زیرساخت‌های اطلاعاتی مانند ایجاد بانـک اطلاعـاتی مشـترک و هماهنـگ، WebGIS، SDI و... برای مشارکت و برنامه‌ریزی هماهنگ‌تر درون‌سازمانی و برون‌سـازمانی برای مواجهه با بافت تاریخی؛

۵. مشارکت و همکاری همهٔ ذی‌نفعان و استفاده از ظرفیت آن‌ها به‌ویژه بخش خصوصی و بخش عمومی برای تأمین منابع مالی کافی برای احیای مجدد بافت تاریخی؛

٦. مدیریت منابع انسانی سازمان‌های مدیریت شهری، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی برای آن‌ها و همچنین توجیه کردن، آموزش و ارزیابی عملکرد نیروی انسانی؛

۷. تأمین مالی و شناسایی منابع درآمدی در سطح محلی و استفاده از ظرفیت‌هـای موجـود در بافت تاریخی.

کتابنامه

۱. امانپور، س.، و سجادیان، م. (۱۳۹۵). مداقه‌ای آسیب شناسانه بر سـازمان‌یـابی فضـایی و مـدیریت کلان‌شهر تهران منطبق بر رهیافت‌ها و رهنمودهای منبعث از آرمـان مـدیریت یکپارچـه در کشـور. *فصلنامهٔ جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۸*(۳۰)، ۸۷–۱۲۵.

۲. بابایی، م.، و ابراهیمی، س. (۱۳۹۵). مطالعه و بررسی مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه در شهر اصفهان. *فصلنامهٔ اقتصاد شهری، ۱*(۱)، ۱۷–۳٦.

۳. برک‌پور، ن.، و اسدی، ا. (۱۳۸۸). *نظریه‌های مدیریت و حکمروایی شهری*. گـزارش نهـایی طـرح پژوهشی.

٤. برک‌پور، ن.، و اسدی، ا. (۱۳۹۵). *مدیریت و حکمروایی شهری* (چـاپ سـوم). تهـران: انتشـارات دانشگاه هنر.

۵. رفیعیان، م.، و حسین‌پور، س. ع. (۱۳۹۱). *نظریه، شهر، فضا، مدیریت شهری* (چـاپ اول). تهـران: انتشارات طحان.

٦. شابیر، چ. (۱۳۸۲). *مدیریت شهر: خط‌مشی‌ها و نوآوری‌ها در کشورهای درحال‌توسعه* (پ. زاهدی، مترجم) (چاپ دوم). تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۷. شکری‌پور دیزج، ح. (۱۳۹۰). *بهینه‌سازی الگوی مدیریت یکپارچهٔ ساخت‌وساز شهری در فرایند برنامه‌ریزی شهری دانایی محور (مطالعهٔ موردی: شهر زنجان)* (پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد منتشرنشده رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری). دانشگاه زنجان، ایران.
۸. طاهرخانی، ح.، و متوسلی، م. م. (۱۳۸۵). مدیریت بافت تاریخی شهرهای ایران (چالش‌ها و راهبردها). *مجلهٔ مدیریت شهری، ۵*(۱۸)، ۹٦-۱۰۷.
۹. عزیزی، م. م.، ابویی اردکانی، م.، و نوری، ن. (۱۳۹۱). بررسی نقش کنشگران و ابزارهای مدیریت شهری در یکپارچگی مدیریت کلان‌شهر تهران. *مجلهٔ هویت شهر، ٦*(۱۰)، ۵-۱٦.
۱۰. قادری، ا.، زمانی مقدم، ا.، و جلالی کنیمی، ه. (۱۳۹۱). تدوین راهبردهای اجتماعی مدیریتی احیاء، توسعه و حفاظت بافت تاریخی (مطالعهٔ موردی: منطقهٔ ۱۲ شهرداری تهران). *مجلهٔ مطالعات توسعهٔ اجتماعی ایران، ۵*(۱۷)، ۹۷-۱۱۳.
۱۱. کاظمیان، غ. (۱۳۸۸). جزوهٔ درس مبانی مدیریت شهری، بازیابی از www.UrbanManagement.ir
۱۲. کاظمیان، غ.، صالحی، ا.، ایازی، س. م. ه.، نوذرپور، ع.، ایمانی جاجرمی، ح.، سعیدی رضوانی، ن.، و عبداللهی، م. (۱۳۹۲). *مدیریت شهری (جلد اول: مبانی و حوزه‌ها)*. تهران: انتشارات تیسا.
۱۳. کاظمیان، غ.، و میرعابدینی، س. ز. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچهٔ شهری در تهران از منظر سیاستگزاری و تصمیم‌گیری شهری. *نشریهٔ هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۳*(٤٦)، ۲۷-۳۸.
۱٤. نیومن، پ.، و تورنلی، ا. (۱۳۸٦). *برنامه‌ریزی شهری در اروپا، رقابت بین‌المللی، نظام‌های ملی و طرح‌های برنامه‌ریزی* (ع. اقوامی مقدم، مترجم). تهران: انتشارات آذرخش.
۱۵. وارثی، ح.، تقوایی، م.، و رضایی، ن. (۱۳۹۱). ساماندهی بافت فرسودهٔ شهری (نمونهٔ موردی: شهر شیراز). *مجلهٔ علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، ۲*(٦)، ۱۲۹-۱۵٦.

16. Chakrabarty, B. K. (2001). Urban management, concepts, principles, techniques and education, *Cities*, *18*(5), 331-345.
17. Claesson, A. (2009). *Guidance paper on overview of the integrated management system*. Managing Urban Europe-25 project. European Commission.

18. Descamps, F. (2014). Conservation of historic cities & urban settlements intivative. Retrieved 2017, February 29, from Getty.edu.Availableat: http:// www.getty.edu/conservation/publications_resources/newsletters/26_2/historic.html
19. Ertan, T., & Eğercioğlu, Y. (2016). Historic city center urban regeneration: Case of Malaga and Kemeraltı, Izmir. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (223), 601-607.
20. Friedman, J. (2004). Hong Kong, Vancouver and beyond: Strategic spatial planning and the longer. *Planning Theory and Practice*, *5(1)*, 50-56.
21. Grecea, C., Herban, S., & Vilceanu, B. V. (2016). WebGIS solution for urban planning strategies. *Procedia Engineering*, (161), 1625-1630.
22. McGill, R. (1994). Integrated urban management: An operational model for third world city managers. *Cities*, *11*(1), 35-47.
23. Pourkarimi, E., Zibakalam, S., Noroozi, N., & Ebtekar, M. (2016). A conceptual model for integrated management of the urban environment in Tehran metropolis (Based on the good governance guidelines). *Environmental Research*, *10*(3), 391-400.
24. Ryden, L. (2008). *Tools for integrated sustainability management in cities and towns*. Baltic: Baltic University Press
25. Schwedler, H. (2011). *Integrated urban governance: The way foeward*. Commission 3 manual. Retrieved from https:// www.metropolis.org/ sites/ default/ files/ c3-metropolis-urban-governance-eng_0.pdf
26. Wesolowska, J. (2016). urban infrastructure facilities as an essential public investment for sustainable cities “indispensable but unwelcome objects of social conflicts: Case study of Warsaw, Poland”. *Transportation Research Procedia*, (16), 553-565.